

فواد ایزدی در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

## اصلاح قانون حمل سلاح با منافع مقامات آمریکایی در تعارض است

در سال‌های اخیر تعداد کشتارهای جمعی در آمریکا روند صعودی داشته است. این موضوع به طور مستقیم وابسته به شرایط داخلی آمریکا و بیانگر وضعیت درونی آن است. در سال ۲۰۲۰ آمریکا آمار ۱۹ هزار و ۳۵۰ قتل با سلاح گرم را به ثبت رسانده که حدود ۳۵ درصد نسبت به سال ۲۰۱۹ افزایش داشته است.

نماینده آمریکا برای حل بحران میدان گازی کاریش وارد بیروت شد

## کمین تل‌آویو برای سرقت گاز لبنان

تل‌آویو با تعرض به آب‌های لبنان و تلاش برای غارت ثروت نفتی این کشور که واکنش تند بیروت و مقاومت را به دنبال داشته، تنش‌های جدید در منطقه ایجاد کرده است. تنش‌های که سازمان ملل را واداشته تا با مداخله در این بحران جدید ساخته و پرداخته شده توسط تل‌آویو، از طرفین بخواهد وارد مذاکره شوند. اما بیروت و مقاومت لبنان مذاکره با تل‌آویو را بیپوده می‌دانند.



# بوریسی جانسون از سقوط گریخت اما آینده‌اش نابود شد

نماینده‌کان محافظه‌کار شامگاه دوشنبه در انتخابات محرمانه‌ای، با رأی ۲۱۱ به ۱۴۸ به «بوریس جانسون» رأی اعتماد دادند تا علاوه بر رهبری حزب، نخست‌وزیری انگلیس نیز برای او تثبیت شود. پس از این رأی‌گیری دولت بریتانیا زست رضایت‌مندی گرفت و جانسون نیز با ابراز خرسندی از نتیجه به دست آمده، آن را متقاعدکننده و با اهمیت خواند و گفت: «فکر می‌کنم این نتیجه‌ای بسیار خوب برای سیاستمداران و کشور بود». اما با وجود این نمایش دولت، چهره‌های معغوم نمایندگان وفادار به «جانسون» و همین‌طور خروج سریع آنها از نشست بعد از قرائت بیانیه غیرقابل انکار بود.

نگاهی به ناکامی‌های پی‌درپی طراحی‌های موساد علیه ایران

## چرا پروژه ترور هدفمند کارشناسان ایرانی شکست خورده است؟

شیوا حسینی پژوهشگر

بازخوانی تحلیلی خروجی محتوایی رسانه‌های صهیونیستی و کشف و احصای تصاویر و پیام‌های القایی دستگاه پروپاگاندای دولت یهود، حداقل امکان و فایده‌ای که برای مخاطب ایرانی می‌تواند به دنبال داشته باشد این است که پس از احصای روندهای عملیات روانی و تصویرپردازی رسانه‌ای صهیونیست‌ها، مخاطب آگاه می‌تواند در یک موقعیت راهبردی نسبت به شیوه‌های عملیات روانی و اهداف میدانی ایشان قرار گیرد. یکی از رویکردهای رسانه‌های رژیم صهیونیستی، نقد فضای رسمی موجود در این رژیم و اقدامات خارجی آن است. مثلاً روزنامه هآرتس در گزارشی به نقد اقدامات دولت نفتالی بنت در مقابل جمهوری اسلامی ایران پرداخته و اقداماتی از جمله ترور دانشمندان هسته‌ای و چهره‌های نظامی را عملی فایده‌قلمداد کرده است. در بخشی از این گزارش آمده است:

«پس از انجام تعدادی از ترورهایی که به اسرائیل نسبت داده شده است (دانشمندان، مهندسان و پیشروان برنامه هسته‌ای ایران و دیگر متخصصان ایرانی) سنجیدن سود و زیان این قتل‌های هدفمند بسیار مهم است. اگر هدف ممانعت از برنامه هسته‌ای ایران باشد، به یقین می‌توان گفت که این برنامه وابسته به یک متخصص یا گروهی از متخصصان نیست، حتی اگر آنها نابغه فیزیک هسته‌ای باشند. ایران با کمک زیرساخت‌های گسترده‌ای که شامل دانشمندان، تکنسین‌ها، فناوری‌های به دست آمده از دیگران، بودجه نامحدود و کمک از سوی کشورهای حامی مانند کره شمالی، پاکستان، چین و روسیه و همچنین شرکت‌های خصوصی، موفق به توسعه یک برنامه پیشرفته شده است. در کشورهای اروپایی هر کسی که معتقد است ترور یک دانشمند، ایران را منصرف می‌کند، دروغ می‌گوید و در واقع دروغ بزرگ‌ترین است که گمان می‌کنند تهدید هسته‌ای ایران یک بادکنک غول‌پیکر است که می‌توان آن را با یک نوک سوزن تخلیه کرد، یا بمبی که به یک ماشین دانشمند متصل می‌شود، برنامه هسته‌ای ایران را متوقف خواهد کرد.»

مسأله این است که اگر هدف رژیم

صهیونیستی نشان دادن برتری اطلاعاتی‌اش است که او را قادر به تعقیب، ربایش و ترور هدفی در قلب تهران می‌کند، این سیاست، بنا به اذعان خود استراتژیست‌های صهیونیست، عملاً سردرگم است؛ چراکه صرف نمایش و بزرگنمایی رسانه‌ای از توانایی اطلاعاتی به خودی خود نمی‌تواند به محقق شدن یک هدف تاکتیکی یا استراتژیک منجر شود. علاوه بر این، رژیم صهیونیستی قبلاً توانایی‌ها و برنامه‌های هسته‌ای ایران را از طریق نمایش رسانه‌ای، به زعم خود آشکار کرده است و به لطف این اطلاعات مجعول توانسته است معدود کشورهای تابیش را برای مبارزه با ایران و برنامه هسته‌ای آن بسیج کند.

اگر این رژیم بخواهد دولت آمریکا را متقاعد کند که حتی در صورت امضای توافقنامه هسته‌ای جدی به مبارزه با ایران به‌تنهایی ادامه خواهد داد یا در عوض اگر ترورهای منتسب به خود را برای خنثی کردن مذاکرات غرب با ایران انجام دهد، ابتکارات آن، بنا به اعتراف طیف‌هایی در داخل اسرائیل غیر ضروری و مضر است. تصمیم ایران برای پیوستن یا عدم پیوستن مجدد به توافق هسته‌ای به ملاحظات داخلی و امنیت ملی‌اش مربوط می‌شود که باز ربطی به ترور ندارد.

در عین حال، مقامات دولت آمریکا علی‌الظاهر به صراحت اعلام کرده‌اند که این کشتار بیپوده است و آنها را از تلاش برای یافتن راه‌حل دیپلماتیک برای موضوع هسته‌ای ایران منصرف نخواهد کرد. حتی اسرائیل توانسته است این موضوع را توضیح دهد که این ترورها را برای چه چیزی انجام می‌دهد و این کدام یک از برنامه‌های ایران را متوقف خواهد کرد. از یک طرف ایران در برنامه هسته‌ای خود به پیش می‌رود و ترور شهید فخری‌زاده و دانشمندان هسته‌ای و مقامات میانی نظامی جمهوری اسلامی قبل از آن هم نتوانسته است که جلوی برنامه هسته‌ای ایران را بگیرد. پس این ترورها برای چیست و کدام یک از قطعات پازل نفتالی بنت را تکمیل می‌کند؟ در پاسخ می‌توان گفت که تنها جنبه‌ای که می‌توان آن را به عنوان یک دستاورد برای نفتالی بنت در نظر گرفت، ایجاد یک فضای رسانه‌ای و بازنمایی آن

برای مصرف داخلی دولت انتلافی در حال فروپاشی وی است. صهیونیست‌ها به خوبی می‌دانند که در بدترین سناریوها هم ایران از برنامه هسته‌ای خود عقب نخواهد نشست و از سوی دیگر، ایالات متحده گزینه نظامی را به دلیل مقرون به صرفه نبودن سال‌ها است که کنار گذاشته است. اگر نگاهی به عملکرد جمهوری اسلامی در طول سال‌های گذشته داشته باشیم، خواهیم دید که ایران برنامه هسته‌ای خود را از سایر موضوعات و برنامه‌ها مجزا کرده است. نفوذ منطقه‌ای ایران، برنامه موشکی و جدیداً برنامه پهبادی ایران کاملاً در مسیر خود در حال حرکت هستند. ایران اکنون اگر قبل از سال ۲۰۱۱ به خلیج عدن و تنگه باب‌المندب دسترسی نداشته است، اکنون به آنجا دسترسی دارد و یکی از گذرگاه‌های مهم بین‌المللی را تصاحب کرده است. اگر ایران قبل از سال ۲۰۱۱ در قالب مستشاران نیروهای مختلف ازجمله فاطمیون، زینبیون، گروه‌های عراقی و حزب‌الله در سوریه حضور دارند. تا قبل از سال ۲۰۱۴، در عراق گروه‌های مقاومت عراقی به صورت یک گروه رسمی حضور داشتند، درحالی که اکنون گروه‌های عراقی در قالب بسیج مردمی (حشد الشعبی) فعالیت می‌کنند که هم دارای ساختاری گسترده‌تر از قبل بوده و هم یک گروه رسمی و قانونی است.

در حوزه موشکی ایران اکنون انواع و اقسام زرادخانه‌های موشکی با برد کوتاه، متوسط و بلند دارد. موشک‌های دقیقی که برد آنها از منطقه غرب آسیا فراتر رفته است. رزمایش اخیر ایران که حمله به مراکز هسته‌ای و نظامی اسرائیل را شبیه‌سازی کرده بود، (حمله به دیمونا) نشان داد که ایران برنامه موشکی خود را با دقت بیشتری ادامه می‌دهد و دولت‌های مختلف در ایران با وجود اختلاف‌نظر و اختلاف سلیقه، همین برنامه را ادامه می‌دهند. همچنین، حمله اخیر به پایگاه موساد در ارئیل، ضرب شست محکمی به شرارت‌های اسرائیل بود؛ این حمله نشان داد که ایران پاسخ خواهد داد، اما نوع پاسخ و زمان پاسخ معمولاً حساب شده و دقیق و غیرقابل پیش‌بینی است. در حوزه پهبادی ایران اکنون یکی از



درگیری نمایندگان کنتس رژیم صهیونیستی

قدرتمندترین کشورها در زمینه تولید و استفاده از پهباد است. پهبادهای ایرانی، در جنگ سوریه، بحران یمن، جنگ اتیوپی و... کارایی خود را نشان داده‌اند. اخیراً هم ایران در تاجیکستان خط تولید پهباد

اباییل ۲ را راه‌اندازی کرده است که به غیر از رصد آسمان دریای مدیترانه، خلیج فارس، دریای سرخ، غرب آسیا، اکنون آسیای مرکزی را هم زیر چتر خود قرار داده است. در واقع باید گفت برنامه پهبادی ایران تمامی مناطق شمال، جنوب، غرب و شرق خود را دربرده است.

شاید بتوان در قالب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نسبت به برنامه هسته‌ای ایران سطحی از نظارت را ایجاد کرد؛ اما در مورد برنامه نفوذ منطقه‌ای، موشکی و پهبادی اخیر به پایگاه موساد در ارئیل، ضرب شست محکمی به شرارت‌های اسرائیل بود؛ این حمله نشان داد که ایران پاسخ خواهد داد، اما نوع پاسخ و زمان پاسخ معمولاً حساب شده و دقیق و غیرقابل پیش‌بینی است. در حوزه پهبادی ایران اکنون یکی از

منطقه، در حوزه منطقه‌ای هم این ترور یا ترورهای مشابه، بازتابی نداشته‌اند و اتفاقاً در منطقه هم ایران دست برتر را دارد و در مقابل، دستاورد منطقه‌ای برای دولت انتلافی بنت نداشته است. گزینه نظامی هم در بین خود دولتمردان صهیونیستی موافقان و مخالفانی دارد. یعنی در این موضوع، صهیونیست‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ از یک‌سو یک عده با اقدام نظامی علیه ایران و خرابکاری و ترور مخالف هستند و از سویی دیگر، یک گروه با چطور؟ برنامه‌هایی که به بالاترین سطح انجام چنین اقداماتی موافق هستند. پس در خود بدنه دولت بنت هم سردرگمی درباره ایران وجود دارد. از سویی دیگر، ایران نبرد را از نبردهای نیابتی منطقه‌ای به داخل سرزمین‌های اشغالی کشانده است و منطقه سبز امنیت داخلی سرزمین‌های اشغالی را قرمز کرده است. اکنون مسأله ناامنی در سرزمین‌های اشغالی به یک بحران برای شهرک‌نشینان تبدیل شده است. عملیات‌های اخیر در قلب تل‌آویو باعث شده است که انگاره «نبرد به

داخل سرزمین‌های اشغالی کشیده شده است»، محل بحث و تبادل نظر در بین اندیشمندان صهیونیست تبدیل شود. این یک وضعیت واقعی و ترسیمی از نبرد اسرائیل علیه ایران است؛ اما دو دستاوردی که نفتالی بنت از این ترورها به دست می‌آورد، عبارتند از: ۱- دستاورد رسانه‌ای. ۲- مصرف داخلی. برای بنت شاید در مورد اول دستاوردی قائل بشویم، ولی در مورد گزینه دوم باید گفت که این گزینه هم با توجه به شکست در تمدید قانون کنترل و نظارت بر کرانه باختری که در سال ۱۹۶۷ تصویب شده بود و در طول سال‌های گذشته هر ۵ سال یک بار تمدید می‌شد، خاصیت خود را از دست داده است. در این رای‌گیری که در تاریخ ۱۶ خرداد سال جاری در پارلمان اسرائیل برگزار شد، ۵۸ نفر مخالف داشت و دولت بنت شکست سنگینی خورد و احتمال اینکه دولت انتلافی فروپاشد بسیار زیاد است. در واقع نفتالی بنت نتوانست از این ترورها و خرابکاری‌ها، در داخل نیز دستاورد قابل توجهی به دست بیاورد.

### ■ سخن پایانی

خرابکاری‌های اخیر بر خلاف نگاه رسانه‌ای که به آن می‌شود، در واقع دستاوردی برای صهیونیست‌ها نداشته است. یعنی می‌توان گفت هیچ‌کدام از برنامه‌های ایران متوقف نشده و تنها یک فضای رسانه‌ای علیه ایران و سیستم امنیتی آن ایجاد شده است. فضایی که صهیونیست‌ها برای بر ساخت آن، از طریق ایجاد هماهنگی میان جریان‌های رسانه‌ای ضدانقلاب و تجدیدنظرطلب در خارج و داخل ایران و به کارگیری ظرفیت‌های بالقوه فراهم کردن زمینه ترور و خرابکاری است. اما اینکه این ترورها در وضعیت میدانی، امنیتی و سیاسی دستاوردی برای اسرائیل داشته باشد، خود نفتالی بنت را هم نمی‌تواند قانع کند.